

حکم قسم دوم از شرکت ها

در بحث بیع سهام با توجه به احتمالات چهارگانه در سهام و با التفات به تقسیم شرکت به شرکت حقیقی و شرکت حقوقی، نسبت به قسم اول که هم اموال شرکت حلال است و هم معاملات، حکم مساله بیان شد. اما قسم دوم از شرکت های سهامی که راس المال از مال حلال است ولی فعالیت شرکت ها یا بعض آنها معاملات حرام است مثل معاملات ربوی یا معاملات خمر و خنزیر، خرید سهام از این شرکت ها چه حکمی دارد؟

مرحوم آقای خوئی از حکم جواز خرید و فروش سهام شرکت ها، خصوص جایی که معاملات شرکت ربوی باشد را استثناء کرد نه مطلق معاملات حرام را. اما در کلام بعض الاعلام توسعه داده شده و هر معامله حرامی استثناء شده است ولو راس المال شرکت مال حلال است:

«یصح بیع هذه الأسهم و شراؤها نعم إذا كانت معاملات الشركة المساهمة محرمة كما لو كانت تتاجر بالخمور أو تتعامل بالربا لم یجز شراء أسهمها و الاشتراك في تلك المعاملات»^۱

برای بررسی حکم مساله در قسم دوم، دو مطلب باید مشخص شود و با ملاحظه این دو مطلب حکم بیع و شراء را بررسی کنیم.

مطلب اول: اشکالی نیست در این که انجام بعضی معاملات، تکلیفا حرام است مثل معامله ربوی یا بیع خمر که از بعض ادله آن استفاده حرمت تکلیفی زائدا علی البطلان می شود. اما آیا حرمت تکلیفی که در مورد برخی عناوین معاملی ثابت است، اختصاص به نفس بیع و شراء دارد یا این که حرمت تکلیفی، مقدمات تشکیل معامله را هم شامل میشود؟ این مطلب در مورد ربا مسلم است که حرمت تکلیفی شامل هر نحو دخالت در تحقق معامله ربوی می شود. برخی روایات دال بر این مطلب:

^۱ منهاج الصالحین (للسیستانی) ج ۱ ص ۴۳۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَكَلَ الرِّبَا وَ مُؤْكَلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدَاهُ فِيهِ سَوَاءٌ ۲.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ص الرِّبَا وَ أَكْلَهُ - وَ بَائِعَهُ وَ مُشْتَرِيَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدِيهِ ۳

این روایت از روایات معتبره است؛ چون ولو برخی روایت آن زیدی مذهب اند اما قابل توثیق اند.

این روایت حرمت مقدمات ربا حتی دلالتی و ارائه مشاوره را هم شامل می شود. لعن فی حد نفسه دلالت بر مبعوضیت و حرمت دارد ولو در برخی موارد (مثل ملعون من اكل وحده و غيره) به خاطر قرینه بر خلاف، رفع ید از این ظهور می شود، حال گاهی قرینه لفظیه است (مثل ابغض الحلال بودن طلاق) و گاهی قرینه خارجیه مثل تسالم و غیر قابل التزام نبودن حرمت، به این تقریب که در امور کثیر الابتلاء اگر حرمتی در کار باشد باید واضح باشد که همان تمسک به قاعده «لو كان لبان» است که در کلام مرحوم آقای خوئی هم آمده. در مورد ربا برای حرمت مقدمات، دلیل داریم و عملاً هم فقها ملتزم شده اند اما این که چنین حرمت عامی در مورد مثل خمر هم وجود دارد یا نه، از برخی روایات استفاده می شود که فقط خصوص بیع و شراء خمر متعلق حرمت است. اما در مقابل روایاتی وجود دارد مثل:

وَ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ بَسَنَدٍ تَقَدَّمَ فِي عِيَادَةِ الْمَرِيضِ عَنِ النَّبِيِّ ص فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا - سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ سَمِّ الْأَسَاوِدِ - وَ مَنْ سَمَّ الْعَقَارِبَ شَرِبَةً - يَتَسَاقَطُ لَحْمٌ وَ جَهِهٌ فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ يَشْرَبَهَا - فَإِذَا شَرِبَهَا تَفَسَّخَ لَحْمُهُ وَ جِلْدُهُ - كَالْجِيفَةِ يَتَأَذَّى بِهِ أَهْلُ الْجَمْعِ - حَتَّى يُؤْمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ - وَ شَارِبُهَا وَ عَاصِرُهَا - وَ مُعْتَصِرُهَا فِي النَّارِ - وَ

۲ وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۲۷

۳ وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۲۷

بَائِعُهَا وَ مُبْتَاعُهَا - وَ حَامِلُهَا وَ الْمَحْمُولَةُ إِلَيْهِ - وَ آكِلُ ثَمَنِهَا سَوَاءٌ فِي عَارِهَا وَ إِثْمِهَا - أَلَا وَ مَنْ بَاعَهَا أَوْ اشْتَرَاهَا لِغَيْرِهِ - لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَ لَا صِيَاماً...^۴

که از آن استفاده می شود مقدمات قریبه که موجب تحقق شرب خمر می شود هم حرام است. اما در معاملات محرمه دیگر مثل بیع میتة دلیلی بر حرمت مقدمات انجام بیع نداریم.

پس نکته اولی که باید لحاظ شود این است که حرمت فقط روی بیع رفته است یا این که شامل مقدمات هم می شود.

مطلب دوم: در بحث حرمت اعانه بر اثم باید تعیین مبنی شود که آیا اعانه بر اثم باطلاقها حرام است و مطلق ایجاد مقدمه برای تحقق حرام که لایتنحقق الحرام آلا به، حرام است (کما علیه المشهور)، یا این که اعانه بر اثم دلیلی بر حرمت ندارد (کما علیه المحقق الخوئی و الايروانی)، یا این که ایجاد مقدمه برای معصیت غیر صرفاً در جایی که ترغیب عملی و سوق دادن شخص به انجام حرام باشد، حرام است به این بیان که دلیل مطلق بر حرمت اعانه بر اثم نداریم ولی در جایی که ترغیب عملی غیر به ایجاد حرام می شود می توانیم اقامه دلیل کنیم:

دلیل، همان ادله منع از منکر است؛ زیرا همان طور که گفته شده یکی از ادله حرمت ترغیب قولی به حرام، فحوای ادله نهی از منکر است علاوه بر برخی ادله لفظیه مثل آیه شریفه «ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشه...»، و وقتی ترغیب به حرام ممنوع شد عرفاً فرقی بین این که ترغیب قولی باشد یا عملی وجود ندارد. بنابراین هر جا که شخص دخیل در تحقق معصیت از شخص دیگر باشد به این معنا که تحقق معصیت از شخص دیگر متوقف بر وجود مقدمه ای باشد که شخص اول باید آن را انجام بدهد یعنی مقدمه منحصره باشد وبدون انجام آن، شخص دیگر قادر بر ایجاد حرام نباشد وشخص اول با التفات به تحقق حرام از شخص دیگر والتفات به اینکه بدون کمک او حرام تحقق نخواهد یافت درعین حال آن مقدمه را ایجاد کند این کار او اقدام به تحقق حرام وترغیب عملی به ایجاد حرام است ومبغوض وحرام خواهد بود البته این درجایی است که مقدمه مقدمه قریبه باشد اما اگر مقدمه از مقدمات بعیده باشد ووسائلی دربین فاصله باشد مثل تناكح وتناسل که موجب تحقق معصیت از فرزندان می

شود یا این که مقدمه قریبه مقدمه منحصره نباشد ایجاد آن در نظر عرف اقدام به تحقق حرام و ترغیب عملی به آن حساب نمی شود بلکه وقوع معصیت در این موارد به خصوص مباشرت داده می شود همانطور که در مثل بیع عنب ممن یعلم أنه یصنعه خمرا یا بیع خشب ممن یعلم ان یتخذہ برابط (درفرضی که تهیه عنب برای ساخت خمرا یا تهیه خشب برای ساخت برابط (آلت موسیقی) متوقف بر خرید از معین نیست بلکه از جای دیگر هم می توان تهیه کرد) از این قبیل است و روایات معتبره ای که در این مورد وارد شده بر این معنی حمل می شود چون غالب در موارد آن عدم انحصار است در نتیجه اطلاق روایات حمل بر آن می شود .

باملاحظه این دو مطلب و تعیین قول مختار در آن باید حکم قسم دوم شرکتها را بررسی کنیم

حکم قسم دوم شرکت ها طبق احتمال دوم

طبق احتمال دوم که سهم نشاندنده موجودات خارجی شرکت باشد، فی حد نفسه معامله سهم وضعاً صحیح است. اگر شرکت سهامی معامله حرام انجام می دهد، در صورتی که شرکت حقیقی باشد با خرید سهم از این شرکت، به اندازه سهم خود، در کنار شرکاء دیگر قرار می گیرد و وقتی شرکت با موجودات خود، معامله ربوی می کند، همان طور که معامله به بقیه شرکاء نسبت داده می شود به مساهم هم نسبت داده می شود، لذا ولو عنوان حرامی بر خود شراء منطبق نباشد اما نتیجه شراء و بقاء مالکیت نسبت به موجودات شرکت، موجب استناد معاملات حرام به شخص می شود. لذا آقای خوئی فرمود در این صورت باید سهم را پس بدهد و نمی تواند حالت مالکیت خود را باقی بگذارد. و فرقی هم نمی کند که معامله حرام از کدام اقسام از معاملات حرام باشد، لذا کلام آقای خوئی که حرمت را مخصوص معاملات ربوی دانست وجهی ندارد.

اما اگر شرکت حقوقی باشد و شخص حقوقی مالک موجودات شرکت باشد (بحث طبق فرض امکان ثبوتی احتمال دوم با مبنای مالکیت شخصیت حقوقیه است)، صحت خرید سهام این شرکت متوقف بر اعتبار شخصیت حقوقی است.

اگر شخصیت حقوقی را مثل شخص حقیقی معتبر دانستیم معامله صحیح خواهد بود چون مالک شده است. اما اگر اعتبار شخصیت حقوقی را قبول نکردیم، خریدار سهام، در حقیقت موجودات را از شخص حقوقی می خرد و کسی که پول به شرکت حقوقی داده است، چیزی را شرعاً مالک نشده است و دادن پول به شرکت حقوقی، از

قبیل القاء مال در صندوق مشتمل بر مجهول المالک هاست. با این خرید در زمره مالکین شرکت قرار نگرift تا معاملات صادر از مالکین، به او انتساب داد شود، لذا بر خود شراء عنوان محرمی تکلیفاً منطبق نمی شود و به اعتبار نتیجه شراء (ملکیت) هم شرکت در معاملات حرام به پای او نوشته نمی شود؛ چون شخص حقوقی مالک نیست تا بیع ربوی انجام دهد.

اما این مطلب باقی می ماند که به هر حال شرکت باید سرمایه خود را تامین کند (از ابتدا یا به وسیله فروش سهام به افراد) و کسی که سهم را می خرد، با دادن پول به شرکت حقوقی، مقدمه ای از مقدمات معاملات حرام را ایجاد می کند. چون ولو شرکت حقوقی است که اعتبار شرعی آن طبق فرض ثابت نیست، اما انشاء معامله ربوی در این صورت هم حرام است، یعنی ادله حرمت انشاء ربوی اطلاق دارد ولو ذات معامله از جهات دیگر نقص داشته باشد.

سوال این است که هرچند ایجاد معامله ربوی به شخص نسبت داده نمی شود چون مالک نشده است شرعاً، اما از آن جایی که با خرید سهام شرکت، ایجاد قدرت برای شرکت در انجام معاملات حرام کرده است، آیا این مقدار که مالی را در صندوق شرکت قرار داد که ولو غیر مستحق هستند اما معامله ربوی و محرمه انجام دادند، آیا این مقدار از مقدمه حرام، است یا نه؟

اگر بگوییم در ربا مطلق مقدمات حرام است ولو مقدمات بعیده، یا این که در باب اعانه بر اثم قائل به حرمت مقدمات ولو بعیده شویم، این عمل حرام خواهد بود. اما التزام به این مطلب مشکل است و لازمه اش این است که مثلاً درجایی که پدری مالی را به فرزند خود هبه کند و او با این مال، معامله ربوی انجام دهد، این هبه باید حرام باشد در حالی که قابل التزام نیست. آن چه می توان ملتزم به حرمت آن شد، این است که نسبت به یک معامله ربوی خاص که زمینه اش وجود دارد، دخالت در تحقق آن و ایجاد مقدمات آن حرام است، اما مقدمات بعیده که با چند واسطه به ذی المقدمه می رسد دلیلی بر حرمت ندارد.